

بررسی تأثیرات فرهنگی عشایر بر نظم و امنیت جامعه

(مطالعه موردی: استان اردبیل ایل شاهسون)

افراسیاب پورحسین^۱، عباداله اسدپور^۲، عباسعلی منزلی^۳

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۳/۰۳/۱۸

از صفحه ۱۰۵ تا ۱۲۴

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی

سال دوم، شماره پنجم، بهار ۱۳۹۳

چکیده

جامعه عشایری ایران به عنوان یکی از ترکیب‌های جمعیتی در کنار جوامع شهری و روستایی، همواره نقشی بارز و تعیین کننده در سرنوشت سیاسی و نظم و امنیت کشور داشته است و در این میان، نقش فرهنگ موجود در زندگی عشایری (ایل شاهسون) در نظم و امنیت استان اردبیل بسیار چشمگیر است. هدف تحقیق حاضر، بررسی تأثیرات فرهنگی عشایر بر نظم و امنیت جامعه عشایری استان اردبیل است. به این منظور با استفاده از روش پیمایشی-همبستگی یک نمونه ۲۰۸ نفری از جامعه عشایری شهرستان‌های استان اردبیل به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب و پرسشنامه محقق ساخته بعد از برآورد روایی و پایایی ابزار مورد نظر در اختیار آنها قرار گرفت. سپس داده‌ها با استفاده از روش‌های آماری رگرسیون و ضریب همبستگی پیرسون تجزیه و تحلیل شد و نتایج به این شرح به دست آمد؛ بین فرهنگ حاکم در منطقه و نظم و امنیت جامعه عشایری ایل شاهسون رابطه معنی‌داری با ۹۵٪ درصد اطمینان و ۵٪ درصد خطا وجود دارد. به علاوه نتایج نشان داد که بین خرده فرهنگ عشایری و نظم و امنیت منطقه، رابطه مستقیم وجود دارد.

کلید واژه‌ها: فرهنگ، عشایر ایل شاهسون، نظم و امنیت.

۱ - مدرس دانشگاه آزاد اسلامی مشگین شهر، نویسنده مسئول، رایانامه: afra54@live.com

۲ - استادیار و عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی

۳ - مدرس دانشگاه پیام نور مشگین شهر

مقدمه

تحولات دهه‌های اخیر در کشورمان، حاکی از اهمیت مقوله فرهنگ در دستیابی به اهداف و بهبود روابط میان مردم است، به نحوی که امروزه شاهد ظهور و تشکیل روابط فرهنگی در عرصه‌های مختلف هستیم تا از این طریق، زمینه تنازعات و چالش‌های جامعه، برطرف و موجب هم‌گرایی مردم شود. از این‌رو کسب وجهه و اعتبار در جامعه و نفوذ در افکار عمومی و یا به تعبیری، دسترسی به قدرت از جمله اهداف مهم و در عین حال تصریح نشده کشورمان در حوزه فرهنگ است که این مهم به تناسب موقعیت، جایگاه، امکانات، فرصت‌ها و ظرفیت‌های فرهنگی هر جامعه با شیوه‌ها و سازوکارهای مختلف، تعقیب می‌شود. زیرا زبان فرهنگ، زبان ملاپمی است که می‌تواند زمینه‌ساز و حامی روابط میان مردم و نیز مانع بروز بحران‌های خشونت‌بار در جامعه شود (گی‌روشه، ۱۳۸۷: ۱۲۰). از این‌رو جامعه درصدد تحکیم بنیان‌های معرفتی فرهنگ خود و تعمیم ارزش‌ها، دانش‌ها و نگرش‌های تولید شده به جامعه خود می‌باشد تا یکی از ابزارهای امنیت در کشور را در کنار قدرت سیاسی و اقتصادی همراه خود کرده و با استعانت از سازوکار فرهنگ به جای کاربرد زور، اذهان و افکار عمومی را در راستای منافع و اهداف خود، هم سو کند (تاجیک، ۱۳۸۶: ۳۳).

احساس امنیت با بسیاری از عناصر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه ارتباط دارد. تعبیر درست و نادرست افراد و تجارب آنان از شرایط اجتماعی، همواره احساس امنیت را در طیفی از احساس امنیت درست و واقعی یا کاذب و غیرواقعی قرار می‌دهد. امنیت اجتماعی یک فرآورده دولتی نیست و به جای نگاه به رأس هرم به قاعده آن، یعنی شهروندان معطوف است که توان ایجاد و گسترش امنیت به شکل مدنی آن را دارا هستند. در این میان، بنیادهای اجتماعی و فرهنگی از متغیرهای اصلی توفیق ایجاد امنیت اجتماعی و احساس امنیت می‌باشند. احساس امنیت اجتماعی و اقتصادی از جمله ملزومات اساسی توسعه پایدار و موزون یک جامعه به‌شمار می‌رود (نای، ۱۳۸۸: ۱۰).

از سویی فرهنگ به عنوان موتور محرکه توسعه، زمینه‌ساز حرکت جوامع و الگوهای امنیتی، اجتماعی و اقتصادی است که با فروکش کردن چالش‌های ایدئولوژیکی، نقش آن به عنوان پارادایم جایگزین، به تدریج اهمیت یافته است. از این‌رو نظریه‌های فرهنگی

گوناگونی با هدف توضیح و تفسیر جایگاه فرهنگ در امنیت جامعه ظهور کردند (فام، ۱۳۸۸). پیش فرض اساسی نظریه‌های فرهنگی و تأثیر آن در نظم و امنیت، آن است که رفتار و کنش‌های انسان در زندگی فعال و پویای اجتماعی و برقراری رابطه با دیگران، متأثر از الگوهای روابط اجتماعی و گرایش‌های فرهنگی است. این نظریه‌ها به دنبال شناخت زمینه‌ها، فرایند شکل‌گیری و بروز الگوهای رفتاری، ارزش‌ها، اعتقادات و ترجیحات ما در زندگی اجتماعی هستند؛ بنابراین معتقدند که از این طریق می‌توان نظم و امنیت را در جامعه کنترل کرد (تاجیک، ۱۳۸۶: ۳۸). برخی از عواملی که تقویت‌کننده فرهنگ در نظم و امنیت هستند، عبارتند از؛ ترویج زبان و ادبیات، تبلیغ آرمان‌ها و ارزش‌های متعالی، موقعیت ایدئولوژیکی، ارتباط مناسب و گسترده مردم، مناسبات و مبادلات فرهنگی و ارائه تصویر مطلوب از خود (کاظمی، ۱۳۸۸).

این نوع نگرش به فرهنگ و تأثیر آن در نظم و امنیت (تأثیرات فرهنگی) الزامات نظری و عملی خاصی به همراه دارد، از جمله موجب می‌شود که تعریف فرهنگ، نه منحصر در سطح و محدوده خاص، بلکه به مثابه پدیده‌ای در همه روابط، جلوه‌ها و نهادهای اجتماعی تعریف شود. همچنین تلقی امنیت به عنوان یک حساسیت فرهنگی تا یک فعالیت نهادمند و باور به این که هر چیزی، فرهنگی است؛ بنابراین همواره، نظم و امنیت اجتماعی که از طریق فرهنگ ساخته می‌شود، مورد مخالفت قرار می‌گیرد و باز تولید می‌شود (بشیری، ۱۳۷۹). بر این اساس، چهره امنیت به وسیله ابزارها و روش‌های فرهنگی تلطیف می‌شود و زیرساخت‌های فرهنگی، موجب سامان دادن به فعالیت‌های مختلف در سطوح مختلف می‌شود.

آن چه اهمیت موضوع را مضاعف می‌کند، طرح برخی نظریه‌ها و مکاتب فکری جدید و تأثیر آن بر امنیت است. از جمله، نظریه برخورد فرهنگ‌های خرد و سیالیت فرهنگی است که هر یک به نحوی با توجه به چارچوب معرفتی خود، چارچوب کنشی خاصی را توصیه می‌کند. با این حال، بسیاری از اندیشمندان فرهنگی و امنیتی کشورمان اهمیت و استفاده از این ظرفیت در جامعه را یا به طور کلی مورد غفلت قرار داده یا این که تنها در ساحت اندیشه و نظر، باقی مانده و یا به صورت جدی، استفاده نشده است. از این رو، پرسش اساسی این است که؛ جایگاه و نقش فرهنگ در نظم و امنیت چگونه است و چه تأثیری بر روند تحولات جامعه دارد؟

اهداف تحقیق

اهداف این تحقیق با توجه به ماهیت تحقیق به دو دسته کلی و جزئی تقسیم می‌شوند که در ادامه به آنها اشاره شده است.

اهداف کلی

- ۱- مشخص کردن عوامل تأثیرگذار فرهنگ بر نظم و امنیت جامعه؛
- ۲- ارایه راهکارهای لازم برای بهبود نظم و امنیت جامعه.

اهداف جزئی

- ۱- آگاهی از تأثیر عوامل فرهنگی (ترویج خرده فرهنگ عشایر، تبلیغ آرمان‌ها و ارزش‌های متعالی، ارتباط مناسب و گسترده با مردم) بر نظم و امنیت جامعه؛
- ۲- آگاهی از تأثیر عوامل؛ مناسبات و مبادلات فرهنگی، ارتباط مناسب و گسترده با مردم، بهره‌گیری از اطلاعات و فرهنگ حاکم در راستای مقاصد جامعه بر نظم و امنیت جامعه.

سوال اصلی پژوهش

آیا مؤلفه‌های عوامل تأثیرگذار فرهنگی (ترویج خرده فرهنگ عشایر، تبلیغ آرمان‌ها و ارزش‌های متعالی، ارتباط مناسب و گسترده با مردم مناسبات و مبادلات فرهنگی، بهره‌گیری از اطلاعات و فرهنگ حاکم در راستای مقاصد جامعه) نظم و امنیت جامعه را پیش‌بینی می‌کنند و سهم هر یک به چه میزان است؟

فرضیه‌های تحقیق

الف: به نظر می‌رسد که بین ترویج خرده فرهنگ عشایر و نظم و امنیت جامعه، تبلیغ آرمان‌ها و ارزش‌های متعالی، ارتباط مناسب و گسترده با مردم همبستگی وجود دارد.

ب: به نظر می‌رسد که بین مناسبات و مبادلات فرهنگی، ارتباط مناسب و گسترده با مردم، بهره‌گیری از اطلاعات و فرهنگ حاکم در راستای مقاصد جامعه همبستگی وجود دارد.

ضرورت و اهمیت موضوع

رابطه فرهنگ با نظم و امنیت مدت‌ها مورد غفلت واقع شده بود تا این که نخستین بار «ایوشومی»، جامعه‌شناس فرانسوی اعلام کرد که فرهنگ، یک بُعد امنیتی نیز دارد، زیرا خود را در پشت تمام کنش‌های فردی و اجتماعی پنهان کرده و همان‌گونه که بر رفتار اجتماعی اثر می‌گذارد، بر رفتار امن هم تأثیرات مهمی را بر جا می‌گذارد (قوام، ۱۳۸۸: ۴۴). با این حال، سال‌ها طول کشید تا چگونگی رابطه نظم و امنیت و فرهنگ و تأثیر و تأثر آنها بر یکدیگر در حوزه اجتماعی طرح شود و تنها در دهه‌های هفتاد و هشتاد قرن بیستم میلادی بود که نظر عده‌ای از متخصصین اجتماعی به این نکته مهم معطوف شد که اساساً فرهنگ بر روی رفتار و نظم جامعه اثر می‌گذارد (تراسبی، ۱۳۸۹: ۵۰). از این‌رو محققانی مانند؛ ریمون آرون، مارسل مرل، استانلی هافمن و... تلاش کردند تا فرضیاتی پیرامون تأثیر خلق و خوی ملت‌ها و نقش هنجارها و ارزش‌های فرهنگی و تأثیرات آن بر نظم و امنیت را مطرح و مورد بررسی قرار دهند و به تدریج، این موضوع در بین محققان و صاحب نظران فرهنگی با استقبال مواجه شد (نقیب‌زاده، ۱۳۸۸: ۶۷).

برخی از محققان حوزه فرهنگ بر این باورند که تأثیر فرهنگ و خلق و خوی اقوام و ملت‌ها و هم چنین نحوه اثرگذاری فرهنگ ملی، نه تنها بر نظم و رفتار شخص، بلکه بر نحوه شکل‌گیری جامعه هم تأثیرگذار است. این نظریه‌ها به این نتیجه می‌رسند که همه ملت‌ها حتی در جنگیدن نیز فرهنگ و سبک و سیاق خاص خود را دارند. یعنی در نحوه جنگیدن در چگونگی تدوین یک راهبرد، روش خاص هر قوم و هر ملتی با فرهنگ دیگر متفاوت است. استانلی هافمن نیز معتقد است که فرهنگ و خلق و خوی هر ملتی بر امنیت جامعه‌ی آنها در عرصه فرهنگی، تأثیرگذار است. وی این دیدگاه را با مثالی از رفتار فرهنگی امریکایی‌ها در عرصه امنیت تعقیب می‌کند، وی بر این عقیده است که علت اصلی دخالت امریکایی‌ها در مسائل جهانی، ریشه‌ای فرهنگی دارد (هربرت، ۱۳۷۷: ۱۲۳). بنابراین، امروزه می‌بینیم که فرهنگ، توجه اهل محققان اجتماعی و امنیتی را به خود جلب کرده است. این امر نه به این معنا است که جامعه‌شناسان، همیشه اهل فرهنگ هستند. بلکه به این معنا است که فرهنگ هم به عنوان ابزار امنیت و نظم، شناخته شده و هم به عنوان یک امر مطلوب اجتماعی که وظیفه دولت و همه جامعه، ترویج و ارتقای آن است (کاظمی، ۱۳۸۸: ۴۸).

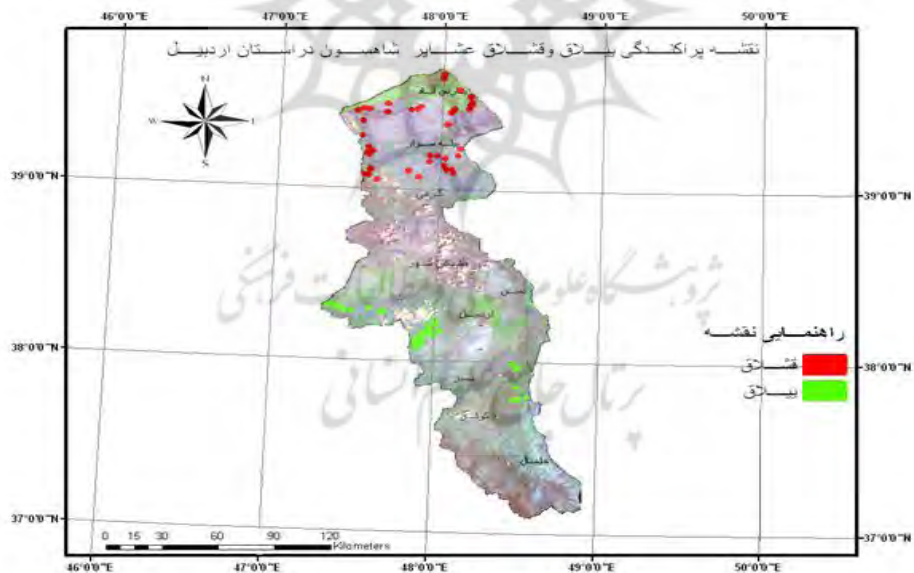
برداشت‌ها، شناخت‌ها و ارزیابی‌ها که به صورت‌های ملموس اقتصادی، سیاسی و امنیتی تجلی می‌یابند از یک سلسله ارزش‌ها و هنجارها و اعتقادات، نشأت می‌گیرند که به نظر می‌رسد در فرایند نظریه‌پردازی و تحلیل مسائل نظم و امنیت، توجه اندکی به ابعاد هویتی و فرهنگی شده و در نتیجه، ابعاد فرهنگی و هنجاری الگوهای رفتاری مردم مورد غفلت واقع شده است. برخی از نظریه‌های جدید، مقوله فرهنگ را در کانون توجه خود قرار داده‌اند که در این صورت در می‌یابیم، فرهنگ نه تنها بخش فراموش شده ایجاد نظم و امنیت نیست، بلکه اصولاً بدون توجه به زیر ساخت‌های فرهنگی و عناصری مانند؛ ارزشی، هنجاری، اسطوره‌ای و ایدئولوژیک، نمی‌توان مبادرت به ارائه نظریه کرد (قوام، ۱۳۸۴: ۳۱).

روش تحقیق

این تحقیق بر حسب هدف از نوع کاربردی و برحسب نحوه گردآوری داده‌ها از نوع توصیفی و از گروه همبستگی است. پژوهش کاربردی است به علت اینکه هدف آن دستیابی به اصول و قواعدی است که در موقعیت‌های واقعی و عینی به کار برده شده است (هدریک، ۱۳۷۸: ۵). جامعه آماری این تحقیق شامل؛ کلیه عشایر استان اردبیل است. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد که بر این اساس تعداد ۱۸۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند و برای اطمینان بیشتر، ۱۰ درصد به آن اضافه شد و در نهایت ۲۰۸ نفر از طریق روش نمونه‌گیری خوشه‌ای برگزیده شدند. ابزار اصلی تحقیق حاضر پرسشنامه است که با توجه به اهداف و سؤالات تحقیق و نتایج ادبیات تحقیق تدوین شد. روایی ظاهری و محتوایی ابزار تحقیق با استفاده از دیدگاه‌های افراد صاحب‌نظر در زمینه عشایر در اداره کل عشایر استان و دانشگاه و پس از انجام اصلاحات لازم تعیین شد. برای تعیین پایایی ابزار تحقیق از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ برای مولفه‌های فرهنگی بین ۰/۸۳ و برای پرسشنامه امنیت ۰/۸۲ به دست آمد که مبین پایایی بالای سؤالات پرسشنامه است. برای تجزیه و تحلیل داده‌های آماری از آزمون رگرسیون چندگانه استفاده شد. یادآور می‌شود که پس از جمع‌وری اطلاعات مورد نیاز، پردازش داده‌ها و انجام آزمون‌های آماری با استفاده از نرم‌افزار اس.پی.اس.اس^۱ انجام شد.

جایگاه جغرافیایی عشایر مورد پژوهش

جامعه عشایری ایران متشکل از ۱۰۱ ایل و ۵۹۸ طایفه مستقل است که از این میان، ۸۰ درصد جمعیت عشایری به ایلات و بقیه به طوایف مستقل تعلق دارد. در مجموع جمعیت عشایری کشور، ۲ درصد جمعیت کل کشور را تشکیل می‌دهد که در ۵۹ درصد عرصه کشور قلمرو دارند. نزدیک به ۵۰ درصد جمعیت عشایری در ۱۷ ایل بزرگ کشور نزدیک ۳۰ درصد جامعه عشایری در سه ایل بزرگ کشور (بختیاری، قشقایی و شاهسون) جای گرفته‌اند (یاسوری، ۱۳۹۱: ۴۴). نمونه مورد مطالعه در این تحقیق شامل ایل شاهسون است که با ۱۲۹۸۵ خانوار به‌عنوان سومین ایل بزرگ کشور بعد از ایل‌های بختیاری و قشقایی است (سرشماری سال ۱۳۶۶). اما براساس سرشماری سال ۱۳۸۷، تعداد خانوار عشایری استان اردبیل در بیلاق ۸۱۸۶ و برابر با ۴۳۲۰۷ نفر جمعیت و تعداد خانوارهای عشایری در قشلاق‌ها، ۱۲۸۱۸ خانوار و جمعیت آنها برابر با ۶۶۵۳۲ نفر بوده است. ایل شاهسون از جمله ایل‌های کشور است که هنوز ۵۸ درصد خانوارهای این ایل در هر دوره کوچ مسافت ۲۰۰ کیلومتری را طی می‌کنند (یاسوری، ۱۳۹۱: ۲۸).



مبانی پژوهش

فرهنگ به عنوان میراث مشترک بشریت همواره عامل انسجام، ارتباط و نظم و امنیت میان مردمان بوده است. با استفاده ارزش‌های فرهنگی است که زمان گذشته و حال به هم پیوند می‌خورد و دنیای حال که حالت سطح دارد، بُعد و ژرفا خواهد یافت. این مفهوم فرهنگ که در کلیت امر میراث مشترک بشری است، با مفهوم امنیت، هم‌نوایی دارد و هر جا بحثی از فرهنگ می‌شود، نظم نیز مطرح است. به همین دلیل، فرهنگ و نظم را معمولاً مترادف هم به کار برده‌اند. به‌ویژه در جامعه، هر جا سخن از فرهنگ می‌شود، شاید مراد از آن، فرهنگ و نظم است و در مجاورت جامعه - اجتماع نیز این دو کلمه به جای یکدیگر استفاده شده است. امنیت نیز مجموعه‌ای از ساخته‌ها و تجربیات افراد و سازمان‌ها در مراحل گوناگون زندگی آنها است و به همه قومیت‌های ایرانی و... اختصاص دارد و امتیازهای اقلیمی یا منطقه‌ای در آن نقش اساسی دارند.

جامعه انسانی امروز یک جامعه جهانی است که با ویژگی‌های حاضر خود، هویت آینده را ترسیم می‌کند. ویژگی مناسبات و مبادلات فرهنگی با جامعه، ارائه تصویر مطلوب از فرهنگ غنی خود، بهره‌گیری از اطلاعات و فرهنگ حاکم در راستای مقاصد جامعه و تنوع در چگونگی روابط کمی و کیفی جوامع انسانی در ارتباط میان فرهنگ‌ها، زمینه گسترده‌ای را ایجاد می‌کند. این مهم علاوه بر توسعه امنیت جامعه منجر به حضور خواسته یا ناخواسته فرهنگ‌ها و عوامل آن در عرصه روابط بین مردم شده است. فرهنگ‌ها در کشور و جهان گوناگون هستند و هیچ فرهنگی دشمن فرهنگ دیگر نیست. پس باید میان فرهنگ‌ها گفت و شنودی سالم و سازنده برقرار کرد تا هر فرهنگی در برخورد با فرهنگ دیگر، پیراسته و آراسته شود تا امنیت مورد نظر جامعه به خطر نیفتد (ونت، ۱۳۸۴: ۸۳).

انسان‌شناسان در مورد بیگانگی و همبستگی ذاتی نظام‌های فرهنگی مناطق مختلف، نظریه‌هایی ارائه داده‌اند. فرهنگ و امنیت، میراث مشترک بشریت هستند که در یک بررسی جامع و منطقی، جایگاه مشترک این دو و نزدیکی و هم‌نوایی آنها تأیید می‌شود. وقتی از فرهنگ گذشته و میراث فرهنگی کشوری سخن می‌گوییم، باید به تعیین دو نقطه بپردازیم. یکی این که آن ملت در طی تاریخ چه راه و رسمی را در زندگی پذیرفته

است، دوم این که چه آثاری را در راستای گشایش و عمق زندگی به وجود آورده است. فرهنگ، محصول کار گروهی و نتیجه کوشش‌های همگانی قومی در طول ادوار متوالی است و هزارها و میلیون‌ها خدمتگزار ناشناس دارد که برای عشق به خوبی، زیبایی و پیشرفت از جان و دل کوشیده‌اند (گزارش گفت‌وگو، ص ۹)، حیات بشری همواره قرین تغییر و تحول بوده است. ابن‌نشتاد در این زمینه می‌گوید: «تمایل به تغییر در تمامی جوامع انسانی ذاتی است، چرا که آنها با مسایلی روبه‌رو می‌شوند که هیچ راه حل دائمی برای آنها وجود ندارد.» (واگوس، بی‌تا: ۳۳) و این تغییر و تحولات در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی یک جریان مداوم ولی با نسبت‌های مختلف است، همان‌طور که کینگزلی دیویس می‌گوید؛ تغییرات اجتماعی تنها بخشی از تغییرات فرهنگی می‌باشند، زیرا جامعه و فرهنگ، دو نظام مستقل از یکدیگر می‌باشند.» (همایش تغییر و تحولات فرهنگی، بی‌تا: ۲۰۸).

مفهوم فرهنگ از دیدگاه‌های مختلف

فرهنگ، احتمالاً وسیع‌ترین مفهومی است که در علوم اجتماعی تاریخی از آن استفاده می‌شود. به دلیل دلالت‌های ضمنی گسترده، این مفهوم بار معنایی وسیعی پیدا کرده است و بیشتر مشکلات نیز از همین مساله ناشی می‌شود. با این حال در کاربرد این مفهوم ابهامی بنیادی وجود دارد که در این بخش به آن پرداخته می‌شود. فرهنگ از دیدگاه‌های مختلف، مورد بررسی قرار گرفته و تعریف شده است. جامعه‌شناسان، فرهنگ هر جامعه را اساس تمدن آن جامعه می‌دانند و فرهنگ‌شناسان، جامعه را گروهی متشکل نامیده‌اند که دارای فرهنگ مشترک هستند. در یک تعریف ساده از فرهنگ به عنوان «میراث ملی» یاد شده است. نخستین تعریف جامع از فرهنگ آن است که: «فرهنگ مجموعه‌های پیچیده‌ای است، متضمن معلومات، معتقدات، هنرها، اخلاق، قوانین، آداب و رسوم و تمایلات، قابلیت‌ها و عادات مکتسبه که آدمی در حالت عضویت در یک اجتماع حاصل می‌کند.» (منصوری، ۱۳۸۸: ۹-۱۰). امروز فرهنگ بر همه ابزارهایی که در اختیار افراد جامعه است و تمامی آداب و رسوم، معتقدات، علوم، هنرها و سازمان‌های اجتماعی که در یک جامعه وجود دارند، اطلاق می‌شود.

بدین ترتیب دو جنبه متمایز مادی و معنوی در فرهنگ هر جامعه قابل تشخیص است. یک فرهنگ مادی که شامل ابزارها و اشیایی است که به دست اعضای پیشین ساخته شده و برای اعضای فعلی به ارث مانده‌اند و دیگر فرهنگ معنوی که رسوم معتقدات، علوم و هنرها را در بر می‌گیرد. فرهنگ، عصاره زندگی اجتماعی است و در تمام افکار، اهداف، معیارها، ارزش‌ها، فعالیت‌های انسان و ضوابط فردی و اجتماعی منعکس می‌شود. انسان موجودی اجتماعی خلق شده است و هدف خلقت وی در جامعه تحقق می‌پذیرد. به کمک فرهنگ است که انسان از جهات مختلف با مردم پیرامونش هم‌رنگی و هماهنگی می‌یابد و از مردم جوامع دیگر مشخص می‌شود. همچنین بشر به اتکای این فرهنگ، جهان را تسخیر می‌کند و به جای آن که در مقابل تحریکات محیط طبیعی دستخوش تغییر شود، جهان را موافق حال خود تغییر می‌دهد. انسان و فرهنگ اجتماعی او در یکدیگر اثر متقابل دارند، از یک سو، فرهنگ مسلط و حاکم بر زندگی اجتماعی است و این تسلط بدون آن که محسوس باشد، تمامی زندگی افراد و شئون حیات اجتماعی را در بر می‌گیرد، از سوی دیگر با وجودی که فرهنگ ظاهراً ثابت به نظر می‌رسد، ولی همواره در معرض تغییر و تحول است و این دگرگونی به دست انسان و با اراده او حاصل می‌شود و همان‌طور که گفته شد، هر جامعه فرهنگ خاصی دارد و هر فرد از افراد جامعه مذکور از این فرهنگ متأثر است. فرهنگ گرچه «دیرپای» و به طور نسبی «پایدار» است، ولی تغییر ناپذیر هم نیست و در صورت لزوم، می‌تواند متحول شود. اینک با تأکید بر ویژگی ذکر شده، خاطر نشان می‌شود که ایجاد هر گونه تحول بنیادی و انقلاب واقعی در جامعه، مستلزم دگرگونی کامل فرهنگ آن جامعه است.

فرهنگ و امنیت

بر اساس نظر جامعه‌شناسان، فرهنگ آن نگرشی است که ما به دنیا داریم و آنچه که راجع به زندگی در تمام ابعادش فکر می‌کنیم و همچنین رفتار ما و چیزهایی است که تولید می‌کنیم. در واقع شامل، ارزش‌ها، هنجارها، دانش، هنر، عواطف، سلیق و در کنار هنجارها، آداب، رسوم و قوانین و محصولات مادی و معنوی انسان‌ها است. آنتونی گیدنز معتقد است؛ «فرهنگ عبارت است از؛ ارزش‌هایی که یک گروه معین از آن پیروی می‌کنند و کالاهای مادی که تولید می‌کنند. ارزش‌ها و آرمان‌های انتزاعی هستند، حال

آن که هنجارها، اصول و قواعد معینی هستند که از مردم انتظار می‌رود تا آن‌ها را رعایت کنند (بایدها و نبایدها)، امنیت یک جزء در مجموعه ساز واره یک کل. در یک رویکرد همه‌سونگر یا تمام‌نگر (نقیب زاده، ۱۳۸۲) طبق نتایج تحقیقات انجام شده، موارد زیر را می‌توان به عنوان تأثیر فرهنگ بر امنیت بیان کرد:

- نقش تعیین کننده فرهنگ عشایر در ساختارها و فراگردهای امنیتی؛
- نقش مؤثر فرهنگ ایل و توجه به تفاوت‌ها و تمایزهای فرهنگی در مدیریت کارآمد امنیتی- اجتماعی بر افکار عمومی جامعه؛
- تأثیر بسزای تلاش برای فائق آمدن بر موانع فرهنگی مربوط به انسجام اجتماعی در تنظیم هر گونه کنش و واکنش ملی و فراملی نسبت به متغیرهای امنیتی (منصوری، ۱۳۸۸: ۱۹).

اثرات فرهنگ بر امنیت

امروزه مباحث فرهنگی بیش از هر زمان دیگر توجه متفکرین و دانشمندان و جامعه‌شناسان را به خود جلب کرده است. به لحاظ نقش و جایگاه ویژه‌ای که فرهنگ در تعاملات و مناسبات انسانی دارد، بهره‌برداری سوء از این امکان بشری به وسیله کشورهای سلطه‌گر نیز مورد توجه قرار گرفته است. فرهنگ سودمندگرایانه حاکم بر غرب با توجه به استیلای فناوری خود در پی بسط و تسری الگوی فرهنگ خویش به جوامع برآمده است که امکان بهره‌گیری از این ابزارها را ندارند. کشورهای غربی دوام و بقای خود را در بسط و تعمیم الگوهای مصرف‌گرایانه مادی یافته‌اند، چنین نیتی باعث شده است تا آنان با استفاده از ابزارهای ارتباطی موجود، نسبت به تبلیغ و ارائه الگوهای فرهنگی غرب اقدام کنند. با استیلای غرب بر علوم انسانی به‌ویژه اجتماعی، این شناخت برای آنان به وجود آمده که واکنش‌های بشری، ریشه در الگوی رفتار یک جامعه دارند که در مجموع شامل باورهای ارزشی، معرفتی، اعتقادی و هنجاری آن جامعه می‌شود (ونت، ۱۳۸۴: ۹۷).

به همین دلیل هسته فعالیت غرب در از بین بردن اعتماد اجتماعی کشورهای در حال توسعه به الگوی رفتاری بومی از طریق بسط و تسری الگوهایی که نیازهای بشری

بر آن تأکید دارند، مورد توجه قرار گرفته و در نتیجه، این امر باعث نگرانی و دغدغه خاطر نظام‌های کشورهای در حال توسعه شده است. این کشورها از ابعاد مختلف مورد تهدید قرار می‌گیرند و به دلیل نداشتن فناوری برتر، قادر به ارائه الگوی مناسب خود نیستند و جامعه سلطه‌گر از توانایی‌های موجود به نحو احسن استفاده می‌کند. تمایل درونی بشر به الگوهای فرهنگی خود، مهمترین سد در مقابل الگوهای بیگانه است و این مهم، به توانایی و رفتار قابلیت‌های یک نظام فرهنگی بستگی دارد که بتواند نیازهای جدید جامعه خود را پاسخ دهد. امروز مسائل فرهنگی هم در سطح ملی و هم در سطح محلی مورد توجه قرار گرفته است (جان و اسمیت، ۱۳۸۳: ۱۲۱)، زیرا این مؤلفه قدرت به نسبت سایر مؤلفه‌های سیاسی و اقتصادی جامعه، هم تأثیرپذیر و هم تأثیرگذار است. در تبیین راهبرد ملی باید توجه خاص به مؤلفه عنصر فرهنگی منطقه‌ای داشت، زیرا عنصر فرهنگی همیشه در کنار راهبرد امنیتی کشور قرار دارد. امنیت یک منطقه ارتباط تنگاتنگی با پیشرفت فرهنگ و انتقال باورهای ارزشی و معرفتی اجتماعی آن جامعه دارند. عنصر فرهنگی همچنین یکی از عوامل وحدت و یکپارچگی جامعه به شمار می‌آید. تضادها و مناقشات موجود در مناطق مختلف کشورها بیشتر به علت تعلق فرهنگی و معرفتی نسبت به یکدیگر بوده است (جلالی، ۱۳۷۸: ۷۱).

فرهنگ و نظام ارزش‌ها

بخش عمده‌ای از عوامل تولید کننده یا تقویت کننده امنیت در یک جامعه، معطوف به حوزه فرهنگ و نظام ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی است. مانند زبان و ادبیات، موقعیت ایدئولوژیکی و مذهبی، ارزش‌های متعالی و انسانی، اخلاقیات، قدرت نفوذ باورها و نگرش‌ها و به طور کلی، باورها و ارزش‌های ملی که همگی در ذیل مقوله فرهنگ جای می‌گیرند. حال که فرهنگ به معنای توانایی جذب دیگران به سوی خود، بدون کاربرد زور و یا پول است و از آن جا که فرهنگ به عنوان مهم‌ترین منبع امنیت تلقی می‌شود، می‌توان جایگاه و موقعیت قدرت فرهنگی یک کشور یا یک خرده فرهنگ را با توجه به میزان توانمندی‌ها و جذابیت‌های انگاره‌های فرهنگی آن، مورد سنجش و ارزیابی قرار داد. زیرا فرهنگ یک خرده فرهنگ مانند ایل شاهسون، می‌تواند برای دیگر فرهنگ‌ها منشأ جذابیت باشد. آن چه اهمیت موضوع را در این مؤلفه مضاعف می‌کند، این است،

از آنجا که فرهنگ، شامل نظام ارزش‌ها، هنجارها، اعتقادات و اخلاقیات می‌شود. این انگاره‌ها و ارزش‌های فرهنگی، نظام ترجیحات و اولویت‌ها را برای زندگی فردی و اجتماعی معین می‌سازد و از سویی، نظم و امنیت یک منطقه عمدتاً براساس ترجیحات و اولویت‌های فرهنگی عمل می‌کند؛ در نتیجه میزان ظرفیت موجود در انگاره‌های فرهنگی، می‌تواند جذابیت خاصی را در افکار عمومی ایجاد کرده و از آن طریق، فرهنگ یک کشور و یا یک منطقه به راحتی می‌تواند امنیت و اهداف خود را بدون کاربرد زور با کمترین هزینه، تعقیب کند (سجادزاده، ۱۳۸۸: ۷۳).

تقویت امنیت به وسیله فرهنگ

فرهنگ اقوام مختلف با تأکید بر قدرت فرهنگ و تفکر و نیز تفوق اندیشه‌ورزی بر ابزارانگاری، نوعی فعالیت‌گری نظم و امنیت را رقم می‌زند که بر استقلال فکری و فرهنگی اقوام و کشور استوار است. چنین فرهنگی که خودکفایی و خوداتکایی بدون وابستگی به فرهنگ دیگر را ترویج می‌کند، موجب نوعی جنبش برای افزایش امنیت در جامعه می‌شود که بر حفظ فرهنگ بومی در عین بهره‌گیری از دستاوردهای دیگران تأکید می‌کند. به این دلیل، همزمان با افزایش گرایش اندیشمندان به درک و فهم واقعیت و ماهیت فرهنگ اقوام مختلف کشورمان، نقش فرهنگ در تحولات امنیتی و فکری کشورمان اهمیتی مجدد یافته و خیل مشتاقان فراگیری علوم دینی به‌ویژه از کشورهای افریقایی برای تحصیل در حوزه‌های علمیه به ایران گسیل یافت (تاجیک، ۱۳۸۶: ۵۶).

احساس امنیت

با بررسی‌های انجام شده، احساس عدم امنیت در برخی کشورها به واسطه نوع حکومت، افزایش بزهکاری، فقدان کنترل مجرمان، ناکارآمدی نیروهای پلیس، محرومیت اقتصادی و اجتماعی، تبعیض، بی‌عدالتی قضایی و... ناشی از فقدان امنیت جانی، فکری، مالی و روانی در جامعه است و به طور طبیعی، فقدان امنیت، احساس آن را در شهروندان کاهش خواهد داد. بنابراین در برخی از جوامع با وجود امنیت قابل قبول و تحرک نیروهای پلیس در مقابله با متجاوزان و مجرمان و تأمین حداقل نیازهای مردم توسط

دستگاه‌های ذریبط، احساس عدم امنیت در شهروندان به نسبت وجود امنیت رقم بالاتری را نشان می‌دهد. متأسفانه در کشور ما به میزانی که امنیت وجود دارد، احساس امنیت کمتری در شهروندان مشاهده می‌شود. مقایسه با کشورهای مختلف، این واقعیت را روشن می‌کند. به عنوان نمونه، نرخ سرقت منازل در ایران پنج در هزار، انگلیس ۲۰ در هزار و در استرالیا ۲۵ مورد در هر هزار منزل است (عسگری، ۱۳۸۸: ۹). این مقایسه آماری نشان می‌دهد که ضریب امنیت شهروندان ایرانی بیشتر از ضریب امنیت شهروندان استرالیایی و انگلیسی است، اما احساس امنیت شهروندان ایرانی کمتر از احساس امنیت شهروندان استرالیا و انگلیس می‌باشد. نتیجه این که احساس امنیت اگرچه با میزان جرم یا ضریب امنیتی موجود در جامعه ارتباط دارد، ولی به عوامل دیگری از جمله فرهنگ حاکم نیز بستگی دارد (نشریه امنیت، ۱۳۷۹).

تحقیقات انجام شده در ایران

پژوهش‌هایی در رابطه با تأثیرات فرهنگ بر نظم و امنیت و متغیرهای دیگر و تأثیر این متغیرها در امنیت صورت گرفته است و نتایج به دست آمده از این پژوهش‌ها ما را در رسیدن به اهداف یاری می‌کند. بنابراین این پژوهش‌ها در داخل و خارج از کشور ما صورت پذیرفته است و از پژوهش‌هایی که در کشورهای دیگر در این رابطه انجام شده، به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

بابایی و زیادی (۱۳۸۹) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی تأثیر فرهنگ بر امنیت جامعه از دیدگاه جوانان در استان هرمزگان» به این نتایج دست یافتند که بین فرهنگ حاکم بر جامعه محل زندگی و امنیت آن منطقه، رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد و بین خرده فرهنگ با امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد.

اسکندری (۱۳۹۰) در پژوهشی تحت عنوان «تأثیر فرهنگ بر آموزش امنیت به مؤلفه‌های فرهنگ جامعه» به این نتیجه دست یافت که فرهنگ موجب افزایش سطح امنیت جامعه شده است. تحلیل نتایج نشان داد که چنانچه فرهنگ با یک برنامه منظم و از پیش طراحی شده مورد آموزش قرار گیرد، تغییر مثبتی از لحاظ امنیت در جامعه است.

داوری و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهشی به بررسی و مقایسه سه روش فرهنگی در افزایش نظم و امنیت پرداختند و مشاهده کردند که تفاوت معناداری بین شیوه‌های مختلف فرهنگی و افزایش نظم و امنیت وجود دارد.

یافته‌های پژوهش

بین مؤلفه‌های فرهنگی و نظم و امنیت جامعه رابطه وجود دارد.

جدول ۱: ضریب همبستگی پیرسون بین مؤلفه‌های ترویج خرده فرهنگ عشایر و نظم و امنیت

ضریب همبستگی پیرسون با نظم و امنیت			مؤلفه‌های فرهنگ عشایر
N	R	R	
۲۰۸	۰/۰۰۳	۰/۴۳	ترویج خرده فرهنگ عشایر
۲۰۸	۰/۰۰۳	۰/۵۱	تبلیغ آرمان‌ها و ارزش‌های متعالی
۲۰۸	۰/۰۰۴	۰/۳۸	ارتباط مناسب و گسترده با مردم
۲۰۸	۰/۰۰۴	۰/۳۹	مناسبات و مبادلات فرهنگی جامعه
۲۰۸	۰/۰۰۴	۰/۳۸	ارائه تصویر مطلوب از فرهنگ غنی خود
۲۰۸	۰/۰۰۲	۰/۳۷	بهره‌گیری از اطلاعات و فرهنگ حاکم در راستای مقاصد جامعه
۲۰۸	۰/۰۰۴	۰/۴۵	فرهنگ کل

همانگونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود، همه‌ی مؤلفه‌های تأثیرگذار فرهنگی و نمره‌ی کلی عوامل فرهنگی با نظم و امنیت رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری دارد. به عبارت دیگر با افزایش میزان فرهنگ حاکم در بین عشایر، نظم و امنیت جامعه آنان بهبود می‌یابد. بنابراین فرضیه‌ی اول تحقیق تأیید می‌شود.

جدول ۲: رگرسیون برای بررسی توان مؤلفه‌های فرهنگی در پیش‌بینی نظم و امنیت

مدل	SS	درجه آزادی	MS	F	سطح معنی داری
۱	۰۵۷.۶۵۲۴۳	۶	۹۶.۱۰۴۰۵	۸۷۶.۱۸۶	۰.۰۰۳
	۷۵۶.۲۴۴۳۸	۲۰۲	۳۷۵.۱۱۶		
	۸۱۳.۸۹۶۸۱	۲۰۸			
مدل	R square	R میزان شده	خطای برآورد		
۱	۰/۸۵۳	۰/۷۲۴	۷۸.۱۰		
پیش‌بینی کننده‌ها: ترویج خرده فرهنگ عشایر، تبلیغ آرمان‌ها و ارزش‌های متعالی، ارتباط مناسب و گسترده با مردم، مناسبات و مبادلات فرهنگی متغیر وابسته: نظم و امنیت					
	ضرایب استاندارد	ضرایب غیر استاندارد	t	سطح معنی داری	مدل
	B	Beta			
۱	۰۴۸.۳	۰۴۸.۳	۲۹۹.۱۴	۰.۰۰۱	عدد ثابت
	۳۸.۳	۰/۲۸۰	۲۲۹.۶	۰.۰۰۱	ترویج خرده فرهنگ عشایر
	۰۷۰.۲	۰/۲۶۳	۸۶۵.۵	۰.۰۰۳	تبلیغ آرمان‌ها و ارزش‌های متعالی
	۴۰۳.۳	۰/۴۶۸	۵۶۹.۹	۰.۰۰۱	ارتباط مناسب و گسترده با مردم
	۱۳.۱	۰/۲۸۱	۲۱۷۰	۰.۰۰۱	مناسبات و مبادلات فرهنگی
	۰۱.۳	۰/۳۴۱	۶۱۲۳	۰.۰۰۱	ارتباط مناسب و گسترده با مردم
	۱۸.۱	۰/۳۱۲	۱۱۶۰	۰.۰۰۶	بهره‌گیری از اطلاعات و فرهنگ حاکم در راستای مقاصد جامعه

نتایج رگرسیون در جدول شماره دو حاکی از آن است که ابعاد شش‌گانه عوامل فرهنگی (ترویج خرده فرهنگ عشایر، تبلیغ آرمان‌ها و ارزش‌های متعالی، ارتباط مناسب و گسترده با مردم، مناسبات و مبادلات فرهنگی، ارتباط مناسب و گسترده با مردم، بهره‌گیری از اطلاعات و فرهنگ حاکم در راستای مقاصد جامعه)، در مجموع ۷۲ درصد واریانس نمره کل نظم و امنیت را تبیین می‌کند. نتایج تحلیل واریانس برای بررسی معنی‌دار بودن مدل پیش‌بینی کننده نمره کل امنیت جامعه از طرف عشایر نشان

می‌دهد که متغیرهای پیش‌بین، اثر پیش‌بینی کنندگی معنی‌داری دارند ($p < .05$). ($F=186/21$) متغیرهای پیش‌بینی کننده، ترویج خرده فرهنگ عشایر ($p < .05$)، ($B=3/38$ ، $T=8/6$)، تبلیغ آرمان‌ها و ارزش‌های متعالی ($p < .05$)، ($T=5/86$ ، $p < .05$)، $T=2/07$ ، $B=3/43$) ارتباط مناسب و گسترده با مردم ($p < .05$)، ($T=5/32$ ، $B=3/43$) و ارتباط مناسب و گسترده با مردم ($p < .05$)، ($T=6/21$ ، $B=3/01$) اثر پیش‌بینی کنندگی معنی‌داری روی نمره کل امنیت دارند. اما متغیرهای بهره‌گیری از اطلاعات و فرهنگ حاکم در راستای مقاصد جامعه ($p > .05$)، ($T=1/6$ ، $B=1/18$) و مناسبات و مبادلات فرهنگی ($p > .05$)، ($T=2/7$ ، $B=1/13$) اثر پیش‌بینی کنندگی معنی‌داری روی نمره کل امنیت ندارند. از بین متغیرهای مورد مطالعه، ارتباط مناسب و گسترده با مردم، بیشتر از سایر متغیرها بر نظم و امنیت تأثیر می‌گذارد.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج نشان داد که در جامعه آماری مورد مطالعه، درصد افرادی که تأثیر عوامل فرهنگی (ترویج خرده فرهنگ عشایر، تبلیغ آرمان‌ها و ارزش‌های متعالی، ارتباط مناسب و گسترده با مردم مناسبات و...) در نظم و امنیت جامعه محل زندگی را «زیاد، تاحدودی و خیلی زیاد» می‌دانند، نسبت به افرادی که شدت تأثیر عامل مذکور را «کم و خیلی کم» می‌دانند، مطلوب است. بنابراین می‌توان پذیرفت که از نظر نمونه آماری، عوامل فرهنگی مورد مطالعه در تحقیق فوق می‌توانند موجب حل بعضی از مشکلات نظم و امنیت شوند. همچنین با توجه به نتایج جدول شماره یک و دو، در بررسی که بین نظرات پاسخگویان در ارتباط با تأثیر عوامل فوق در نظم و امنیت صورت گرفت، در متغیرهای ترویج خرده فرهنگ عشایر، تبلیغ آرمان‌ها و ارزش‌های متعالی و ارتباط مناسب و گسترده با مردم، نظرات یکسانی را ابراز داشته‌اند. این نتایج با یافته‌های تحقیق بنی‌فاطمه (۱۳۷۵) هماهنگی و تطابق دارد. این تحقیق به برخی از ویژگی‌های فرهنگی از جمله؛ رسانه‌ها، آموزش، مدیریت و رهبری در نظم و امنیت پرداخته و نتیجه گرفته است که بین این عوامل و نظم و امنیت، رابطه وجود دارد. همچنین این نتایج با یافته‌ها و راه‌حل‌های ارائه شده توسط بامروت (۱۳۷۵) و گلخو (۱۳۷۴) هماهنگ و همخوان است. همچنین این نتایج با یافته‌ها و راه‌حل‌های ارائه شده توسط سرسختی

عراقی (۱۳۷۴)، طاه‌ها و میرعابدینی (۱۳۷۶)، شعبانپور (۱۳۷۷) و نفیسی‌فرد (۱۳۷۷) هماهنگ و همسو است.

پیشنهادها

با توجه به نتایج و یافته‌های تحقیق، به ارائه راهکارها و پیشنهادهایی پرداخته شده تا به کارگیری آن توسط دست‌اندرکاران فرهنگی بتواند موجبات حضور و مشارکت مداوم و فعال عشایر غیور در امنیت جامعه را فراهم آورد و از طرف دیگر به بهبود کیفیت و غنای فرهنگی بیانجامد. بنابراین پیشنهادهای کاربردی مورد نظر با توجه و تأکیدی که پاسخگویان به هر یک از عوامل مورد پژوهش داشته‌اند، ارائه می‌شود.

- اعتماد به تمام یا قسمتی از کارهای صورت گرفته توسط عشایر غیور به صورت‌های مختلف.

- با توجه به اینکه یکی از مشکلات اساسی بخش فرهنگی منطقه در بخش امنیت، پایین بودن آموزش است، بنابراین شناسایی کلیه افراد تأثیرگذار و تفکیک آنها به تناسب تخصصی و سپس دعوت از آنان در گروه‌های محدود و متجانس با هدف تشویق به فعالیت‌های فرهنگی و مشارکت در ایجاد نظم و امنیت منطقه.

- ایجاد زمینه مناسب فرهنگی و اجتماعی با هدف به وجود آمدن نگرش مثبت نسبت به حضور عشایر در عرصه کارهای فرهنگی و امنیتی.

- توسعه خدمات فرهنگی، اجتماعی در منطقه.

- آموزش ایده‌های نظم و امنیت در سطح جامعه عشایری از طریق تبلیغات و ابزارهای اطلاع‌رسانی.

- تامین امکانات، دسترسی کافی به خدمات آموزشی و فرهنگی برای همه اعضای از سوی مسئولان.

- برنامه‌ریزی برای پذیرفتن و واگذاری انجام بخشی از فعالیت‌های مختلف فرهنگی و امنیتی از سر میل و رغبت به قصد بهبود زندگی اجتماعی توسط جامعه مورد مطالعه.

محدودیت‌های پژوهش

- تعدد گویه‌های پرسشنامه ممکن است باعث خستگی و در نتیجه، کاهش دقت و انگیزه در پاسخ دهی به گویه‌های ارائه شده باشد، از این رو هنگام تعمیم نتایج توجه کافی به این محدودیت ضروری است.
- وجود فضای محافظه‌کارانه در محیط‌های مورد پژوهش، احتمالاً پاسخ‌دهی به گویه‌های پرسشنامه را متأثر کرده است، بنابراین در تعمیم نتایج باید این موضوع لحاظ شود.
- تمایل پاسخ‌دهندگان به انتخاب پاسخ‌های متوسط و نیز خطای سهل‌گیری آنها که از مشکلات تحقیقات پیمایشی است، احتمالاً به نحوی پاسخ‌ها را متأثر کرده است که توجه به این مشکل نیز ضرورت دارد.
- جامعه آماری پژوهش شامل ایل شاهسون استان اردبیل است، بنابراین تعمیم نتایج حاصله به سایر جوامع آماری باید با احتیاط و به شرط تشابه شرایط فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی آنها با جامعه آماری این پژوهش صورت گیرد.
- تحقیق حاضر دنباله‌روی نظریه یا مدل خاصی برای تعیین اهداف و سوالات نیست.
- هر یک از شهرستان‌های مورد مطالعه از لحاظ فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی شرایط خاص خود را دارد. تفاوت اساسی بین این مناطق و تأثیری را که این تفاوت بر میزان تأثیرگذاری فرهنگ بر امنیت دارد، نمی‌توان نادیده گرفت.

منابع

- آشفته - بشیریه، حسین (۱۳۷۹). نظریه‌های فرهنگ در قرن بیستم. تهران: نشر طلوع.
- تراسبی، دیوید (۱۳۸۹). امنیت و فرهنگ. ترجمه کاظم فرهادی، تهران: نشر نی.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۶). سیاست فرهنگی. ماهنامه آیین، شماره ۱۰، دی ماه.
- سجاذاده، علی (۱۳۸۸). چارچوبی مفهومی برای درک سیاست خارجی. مجله سیاست فرهنگی، زمستان.
- سرشماری اجتماعی-اقتصادی عشایر کوچنده کشور (۱۳۶۶). نتایج تفصیلی کل کشور، مرکز آمار ایران.
- سرشماری اجتماعی-اقتصادی عشایر کوچنده کشور (۱۳۸۷). نتایج تفصیلی کل کشور، مرکز آمار ایران.
- جان بیلیس و استیو اسمیت (۱۳۸۳). روابط فرهنگی در عصر نوین. ترجمه ابوالقاسم راه چمنی و دیگران، تهران: مؤسسه فرهنگی ابرار معاصر.
- فام، محمد توحید (۱۳۸۲). فرهنگ در عصر جهانی شدن، چالش‌ها و فرصت‌ها. تهران: نشر روزنه.
- کاظمی، علی اصغر (۱۳۸۹). نقش امنیت در جامعه. تهران: نشر قومس.
- گی، روشه (۱۳۸۷). کنش اجتماعی. ترجمه هما زنجانی، مشهد: نشر دانشگاه فردوسی.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۴). روابط فرهنگی، نظریه‌ها و رویکردها. تهران: انتشارات سمت.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۴). فرهنگ، بخش فراموش شده. مجله فرهنگ، سال ۱۹، تابستان.
- ونت، الکساندر (۱۳۸۴). نظریه اجتماعی. ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: انتشارات سمت.
- نقیب زاده، احمد (۱۳۸۲). تأثیر فرهنگ بر رفتار ایرانیان. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- نای، جوزف (۱۳۸۸). کاربرد فرهنگ در جامعه. ترجمه سید رضا میرطاهر. تهران: نشر قومس.
- هربرت شیلر (۱۳۷۷). وسایل ارتباطی جمعی و امپراتوری امریکا. ترجمه احمد عبدینی، تهران: نشر سروش.
- یاسوری، مجید (۱۳۹۱). عشایر و مسایل برنامه‌ریزی آن در ایران. تهران: انتشارات وارسته.